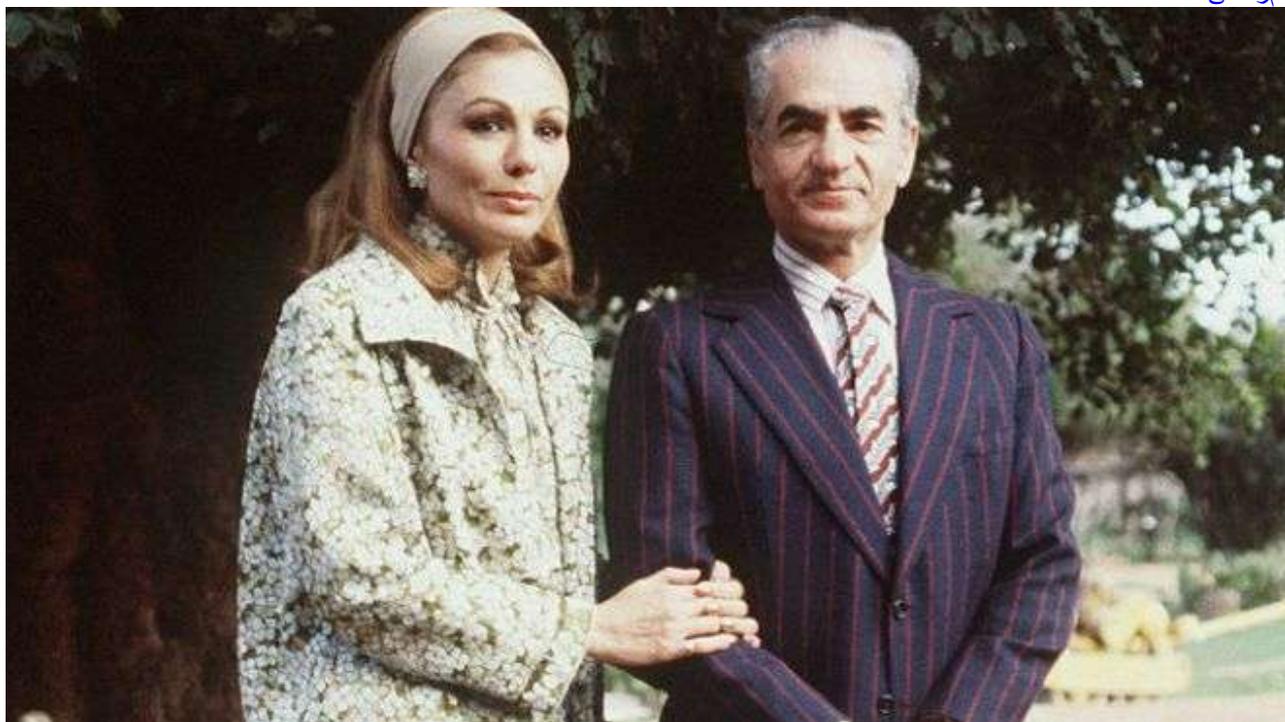


آمریکا چطور از شاه قطع امید کرد

کامبیز فتاحی بی‌بی‌سی، واشنگتن

• 2 ژوئن 2016 - 13 خرداد 1395

هدرسانی



شاه و فرح چند روز بعد از ترک کشور

کنفرانس گوادلوپ همواره از معماهای بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی ایران بوده است. بسیاری فکر می‌کنند در این نشست در جزیره گوادلوپ، در دریای کارائیب بود که جیمی کارتر و سایر رهبران غربی در دی‌ماه ۱۳۵۷ به این نتیجه رسیدند که کار شاه تمام است و باید از ایران خارج شود.

"روایت گوادلوپ"، که عمدتاً بر اساس خاطرات شفاهی این رهبران و گمانه‌زنی‌های دیگران شکل گرفته است، بر اساس اسناد جدید دولت آمریکا دقیق به نظر نمی‌رسد.

به تازگی سندی محرمانه از گفت‌وگوهای گوادلوپ منتشر شده که نشان می‌دهد بحران ایران در حاشیه این نشست مطرح بوده است. به علاوه، کارتر پیش از دیدار با همتایان اروپایی‌اش، در جلسه غیررسمی شورای امنیت ملی آمریکا در واشنگتن، به این نتیجه رسیده بود که شاه به آخر خط رسیده است.

بنا بر صورت‌جلسه نشست این شورا -در روز سوم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۳ دی ۱۳۵۷)- کارتر چندان نگران از دست رفتن متحد استراتژیک خود نبوده است. او به مشاورانش می‌گوید که بعد از رفتن شاه مجلس ایران می‌تواند منشا ثبات در کشور باشد و یک ایران "حقیقتاً غیرمتعهد" که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت جهانی وابستگی نداشته باشد "نباید برای آمریکا ناکامی تلقی شود."

4. Trouble areas.

-- Iran. The leaders discussed the fast-breaking events in Iran, and the President outlined U.S. concerns that events in Iran evolve in a direction that will permit it to be stable, friendly to the West, a continuing source of major oil imports for Western countries, free of outside domination, and internally progressive. He indicated that events were reaching a point where the Shah's remaining in Iran was unlikely to contribute to a resolution of the crisis. The leaders also touched upon the situation in Pakistan, as it could be affected by events in Iran. (S)

SECRET

No Objection To Declassification in Full 2013/11/14 : NLC-23-2-4-16-3

US NATIONAL ARCHIVES خلاصه اظهارات کارتر در گوادلوپ

'نقاط آشوبزده'

رهبان بلوک غرب پنجشنبه چهارم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ دی ۱۳۵۷) به گوادلوپ می‌روند. مذاکرات از جمعه پنجم ژانویه (۱۵ دی) شروع می‌شود. هر رهبر فقط می‌توانست یک همراه بیاورد؛ همراه کارتر، زیبگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی او بود.

این رهبران صبح جمعه پنجم ژانویه درباره روابط کلان دو بلوک غرب و شرق صحبت کردند. بهبود روابط با چین و تلاش کوبا برای سوق دادن جنبش عدم تعهد به طرف شوروی از جمله موضوعات بود. از بعدازظهر جمعه به بعد دستیاران به مذاکرات رهبران ملحق می‌شوند و طرف‌ها در مورد مسائل استراتژیک گفتگو می‌کنند؛ به ویژه پیمان محدود سازی تسلیحات استراتژیک ۲- با شوروی.

صبح روز شنبه ششم ژانویه نوبت به "نقاط آشوبزده" می‌رسد. ایران اولین "نقطه آشوبزده" بود که کارتر و همتایانش به آن می‌پردازند.

خلاصه‌ای از اظهارات کارتر در سند ثبت شده:

"پرزیدنت موضع آمریکا را بیان کرد. این که وقایع ایران در جهتی دگرگون شود تا کشوری با ثبات، دارای روابط دوستانه با غرب، منبع مستمر صادرات نفت به کشورهای غربی، مصون از سلطه خارجی و نیز در عرصه داخلی متریقی باشد."

"کارتر خاطر نشان کرد که اوضاع به مرحله‌ای رسیده که بعید است ماندن شاه در ایران به حل بحران کمک کند."

در پایان سند آمده: "ایالات متحده معتقد است که نشست گوادلوپ فرصتی مفید بود برای تبادل نظر غیررسمی، به دور از برنامه کاری مشخص، عاری از بحران در روابط متحدان و تصمیمات یا بیانیتهای رسمی."



لحظه سرنوشت ساز

'لحظه سرنوشت ساز'

رئیس جمهوری آمریکا تصمیم نهایی خارج کردن شاه از ایران را در آستانه سفر به گوادلوپ - ظهر سوم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۳ دی ۱۳۵۷) - در نشستی غیررسمی با مشاوران ارشدش در کاخ سفید می‌گیرد.

او آن روز پیامی با فوریت بالا از ویلیام سالیوان، سفیر آمریکا در تهران دریافت کرده بود که "لحظه سرنوشت ساز فرارسیده": شاه بر سر دوراهی بزرگی قرار دارد، زمام امور را به شاپور بختیار بسپرد و برود یا به محافظه‌کاران و ارتش اجازه سرکوب بدهد.

سالیوان هشدار می‌دهد که عده‌ای از افسران ارشد چنان از دودلی فرمانده کل قوا به ستوده آمده‌اند که قصد کودتا دارند.

او می‌نویسد: "یک افسر ارشد ارتش ایران روز دوم ژانویه (۱۲ دی) بسیار محرمانه رئیس اداره مستشاری آمریکا در ارتش (ژنرال فیلیپ گست) را آگاه کرد که اگر شاه در چند روز آینده اقدامی قاطع نکند ارتش او را برکنار خواهد کرد." سفیر آمریکا روز ۱۲ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۲ دی ۱۳۵۷) را روز احتمالی کودتا تعیین می‌کند.

سالیوان می‌گوید که باید فرض را بر این گذاشت که در هر صورت شاه به‌زودی از صحنه کنار خواهد رفت - یا قدرت را به بختیار واگذار می‌کند و می‌رود یا او را در کودتا کنار می‌گذارند - بنابراین "ما باید بر نحوه رفتن او تمرکز کنیم."

او می‌افزاید فقط رئیس جمهوری آمریکا می‌تواند شاه را به خروج از ایران راضی کند. سالیوان توصیه می‌کند پیام او در قالب استراحت و آزمایش‌های پزشکی و نیز وظایف میهنی شاه و شانس آخر برای نجات سلطنت و قانون اساسی مشروطه تنظیم شود.

همان روز ظهر در واشنگتن کارتر مشاوران ارشدش را فرا می‌خواند. از حاضران می‌پرسد آیا آمریکا باید از شاه بخواد از قدرت کناره بگیرد یا نه. برژینسکی مخالفت می‌کند ولی در برابر جبهه متحد سایروس ونس، وزیر امور خارجه و استانسفیلد ترنر، رئیس سازمان سیا در اقلیت قرار می‌گیرد. در نهایت قرار می‌شود کارتر مستقیماً خواهان کناره‌گیری شاه نشود ولی به زبانی دیپلماتیک از او بخواد از ایران خارج شود.

بنا بر این سند والتر ماندیل، معاون رئیس جمهوری آمریکا، می‌گوید باید طوری شاه را به کنار رفتن تشویق کرد که به نظر نرسد آمریکا دارد چنین حرفی را به او می‌زند.

... value argued that the military cannot govern. The President indicated that parliament could be a source of stability. A genuinely non-aligned Iran need not be viewed as a U.S. setback.

(In the meantime it was agreed that, if needed, Annenberg would provide a haven for the Shah's family and the Shah himself.)

The Vice President felt that we should encourage the Shah to leave without appearing to have said so. The President stated that the central issue is whether the Shah's early departure is favorable to the U.S. Turner said he was not sure the Shah wants to leave. Duncan suggested that General Huyser should go immediately to reassure the Iranian military of continuing U.S.-Iran military arrangements. ZB argued that if the Shah has to leave we should compensate for this by clearcut commitments to Iran so that, if worse comes to worst and violence is used, the Iranian military will feel confident of U.S. military support.

TOP SECRET

Review on January 3, 1999

Classified by Z. Brzezinski

Reason for Extension: NSC 1.13(f)

DECLASSIFIED/RELEASED ON 8/30/02
by NARA on the recommendation of the NSC RS
under provisions of E.O. 12958

بنا به این سند کارتر به مشاورانش گفت که یک ایران "حقیقتاً غیرمتعهد" که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت جهانی وابستگی نداشته باشد "نباید برای آمریکا ناکامی تلقی شود".

پیام کارتر

معلوم نیست خبر نقشه کودتای احتمالی چقدر موثق بوده است. بنا بر یک سند، استعفای تیمسار غلامعلی اویسی فرمانده نیروی زمینی ارتش -که به قاطعیت و بی‌رحمی شهرت داشت- و خروجش از ایران در روز چهارم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ دی ۱۳۵۷) نگرانی آمریکا را از کودتای احتمالی تا حدی کم می‌کند.

همان روز بود که کارتر به شاه پیام می‌دهد تردید را کنار بگذارد؛ زمام امور را به شاپور بختیار و شورای سلطنت بسپارد و برای "استراحت" به کاخ والتر انبرگ در پالم اسپرینگ کالیفرنیا سفر کند.

کارتر همچنین تاکید می‌کند: "از نظر ما بسیار مهم است که فرماندهان ارتش متحد باقی بمانند و با شاه کشور را ترک نکنند. مهم است که فرماندهی ارتش منسجم باقی بماند و حافظ روابط نزدیک آمریکا و ایران باشد."

همزمان با این پیام، رئیس جمهوری آمریکا فرستاده ویژه ای به نام ژنرال رابرت هایزر را به ایران اعزام می‌کند تا آن طور که جان استمپل، از کارکنان ارشد سفارت آمریکا در تهران، به بی‌بی‌سی فارسی می‌گوید برای امرای ارتش روشن کند که "سر جای خود محکم بنشینید و مشکل را پیچیده‌تر نکنید."



مقامات دولت کارتر می‌گویند از ابتلای شاه به سرطان بی‌خبر بوده‌اند ولی آقای استمپل به بی‌بی‌سی فارسی می‌گوید که چند سال بعد از فوت شاه از یک "منبع مطمئن" شنید که عده‌ای در دولت کارتر از راز بزرگ شاه آگاه بوده‌اند.

سندی در تایید صحت این ادعا در دست نیست. به هر حال روحیه نابسامان شاه از دید آمریکایی‌ها پنهان نبود؛ به طوری که مایکل بلومنتال، وزیر دارایی آمریکا، که در پاییز ۱۳۵۷ به دیدن شاه رفته بود، می‌گوید با مردی "حواس‌پرت" و "افسرده" مواجه شده که "با چشمانی محزون به آسمان نگاه می‌کرد". ملک حسین، پادشاه اردن، هم بعد از تماس تلفنی با شاه به واشنگتن گفته بود وضع روحی این "پیرمرد خسته" نگران‌کننده است.

ژنرال هایزر- فرستاده نظامی ویژه کارتر به ایران

'زیادی از او حمایت می‌کنیم'

آیت‌الله خمینی محکم و علنی می‌گفت شاه باید برود. مقامات دولت کارتر هم در مراحل مختلف و به‌تدریج به این نتیجه می‌رسند که باید شاه را رها کنند و به فکر حفظ منافع استراتژیک خود در ایرانی اسلامی باشند.

یک سند جدید نشان می‌دهد که روز نهم آبان ۱۳۵۷ (۳۱ اکتبر ۱۹۷۸) ژنرال ویلیام ادوم، دستیار نظامی برژینسکی به او می‌گوید که آمریکا باید فرض را بر آن بگذارد که سناریوی سقوط شاه محتمل است و ببیند که برای تأمین امنیت جانی حدود ۶۰ هزار شهروندش در ایران، ادامه دسترسی به نفت ایران و آینده قراردادهای تسلیحاتی‌اش چه باید بکند.

۹ روز بعد بود که سفیر آمریکا در تهران پیام معروفش را به واشنگتن فرستاد؛ این که کار شاه تمام است و مصالحه ارتش و آیت‌الله خمینی و تأسیس جمهوری اسلامی تنها راه حل بحران و حفظ منافع آمریکا است.

یکی از دولتمردان آمریکایی که در قبولاندن ضرورت کناره‌گیری شاه در واشنگتن نقش مهمی ایفا کرد جورج بال، دیپلمات کهنه‌کار بود که کارتر با وخیم‌تر شدن وضعیت او را مأمور بررسی اوضاع ایران کرده بود.

روز چهارشنبه ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۲ آذر ۱۳۵۷) شورای امنیت ملی آمریکا تشکیل جلسه داد تا جورج بال گزارش خود را ارائه کند.

او می‌گوید: "شاه باید برود. او باید برود در تلویزیون ظاهر شود و بگوید که صدای مردم را شنیده... این اشتباه است که خودمان را خیلی محکم به شاه ببندیم. ما زیادی از او حمایت می‌کنیم."

جورج بال تأکید می‌کند که حمایت ظاهری از شاه در شرایطی که ارتش پشت اوست به سود آمریکاست زیرا "چنین سیاستی به رهبران عربستان سعودی اطمینان خاطر می‌دهد."

راه حل جورج بال برای آرام کردن اوضاع ساده بود: شاه از صحنه کنار برود و قدرت به یک "شورای افراد سرشناس" با اختیارات واقعی منتقل شود تا اعضای دولت مورد قبول مخالفان را انتخاب کند.

چهار روز بعد - ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آذر ۱۳۵۷) - فهرست ۲۶ نفره نامزدهای احتمالی "شورای افراد سرشناس" تهیه شده بود. فهرست به تهران فرستاده می‌شود تا سالیوان نظر شاه را جویا شود. آیت‌الله حسین علی منتظری، آیت‌الله کاظم شریعتمداری، محمود طالقانی، شاپور بختیار، محمد درخشش، مهدی بازرگان و عبدالکریم لاهیجی جزء کاندیداها بودند.

به نظر می‌رسد شاه هیچگاه فهرست را ندیده باشد. سفیر آمریکا دوشنبه ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۲۷ آذر ۱۳۵۷) وقتی به ملاقات شاه می‌رود خبردار می‌شود که او مخالف دیرین خود، غلامحسین صدیقی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و وزیر کشور در دولت محمد مصدق را مأمور تشکیل دولت کرده است. شاه همچنین به سالیوان می‌گوید که به میانجی‌گری آمریکا نیازی نیست زیرا مخالفانی که در پی سرنگون کردنش هستند فکر خواهند کرد که واشنگتن آماده است نقشی پایین‌تر از یک پادشاهی مشروطه را برای وی بپذیرد.

با ورود صدیقی به صحنه، که معتقد بود شاه باید در کشور بماند تا اوضاع از کنترل خارج نشود، سفیر آمریکا فهرست کاندیداها را به شاه نشان نمی‌دهد. سالیوان که تشکیل چنین شورایی را عملی هم نمی‌دید به واشنگتن پیام می‌دهد که عده‌ای از کاندیداها را نمی‌شود زیر یک سقف جمع کرد، و "بعضی از آن‌ها -مثل محمود طالقانی- می‌خواهند شاه را دار بزنند."



سالیوان و برژینسکی

طرح تشکیل "شورای افراد سرشناس" هیچگاه عملی نمی‌شود. برژینسکی هم مخالف این کار بوده، اما نتیجه گیری جورج بال که شاه به آخر خط رسیده و کنار رفتنش برای حل بحران ضرورت دارد، روزبه‌روز در واشنگتن به باوری پذیرفته شده تبدیل می‌شود.

برای مثال اداره اطلاعاتی وزارت امور خارجه آمریکا (آی ان ار) روز پنجم دسامبر ۱۹۷۸ (۱۴ آذر ۱۳۵۷) شاه را "از دست رفته" توصیف می‌کند و می‌گوید که "ما هر کاری انجام بدهیم دیر یا زود دیگران جایش را خواهند گرفت."

این باور پیش‌تر در ایران هم شکل گرفته بود. آن روزها کم نبودند کسانی که به سفارت آمریکا در تهران می‌گفتند رفتن شاه اوضاع را آرام‌تر خواهد کرد.

بنا بر اسناد، سپهد خلیل بخشی‌آذر، رئیس اداره پنجم ستاد ارتش به مقامات آمریکایی گفته بود که اگر شاه از کشور خارج شود جبهه واحد مخالفان دچار اختلافات داخلی خواهد شد. کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی، هم به سفارت گفته بود که اگر شاه برود نفوذ آیت‌الله خمینی کاهش خواهد یافت.

محمد درخشش، رئیس اتحادیه معلمان، ارزیابی دقیق‌تری می‌کرد. او معتقد بود که اگر شاه برود حمایت مردم از آیت‌الله خمینی ۵۰ درصد کم خواهد شد و آیت‌الله خمینی آن قدر ضعیف خواهد شد که نخواهد توانست جمهوری اسلامی خود را تشکیل بدهد و میان‌روهایی چون درخشش شانس آن را خواهند یافت که دولتی طرفدار غرب و ضد کمونیستی و ضد روحانیت تشکیل بدهند.

'دعوی سالیوان با شاه'

با این حال، واشنگتن روز ۲۳ دسامبر ۱۹۷۸ (۲ دی ۱۳۵۷) به شاه پیام می‌دهد که در تهران باقی بماند. پیام در واقع مخالفت محترمانه با گزینه سرکوب گسترده مخالفان بود.

شاه حدود دو هفته به دکتر صدیقی وقت داده بود تا دولت وحدت ملی تشکیل بدهد. او در عین حال به سفیران آمریکا و بریتانیا گفته بود اگر آقای صدیقی موفق نشود، او به بهانه "بازدید از نیروی دریایی" به جنوب کشور خواهد رفت تا در غیابش ارتش سرکوب را شروع کند.

در پی اطلاع از این نقشه، واشنگتن از شاه می‌خواهد که در پایتخت بماند. در پیام آمده بود: "ما فکر می‌کنیم که ادامه حضور شاه در تهران احتمال موفقیت دولت پیشنهادی را که صدیقی در پی تشکیل آن است تقویت می‌کند." پیام می‌افزاید: "اگر طرح تشکیل دولت صدیقی ناکام بشود حضور شاه به گزینه اجتناب‌ناپذیر دیگر مشروعیت و ملایمت بیشتری خواهد داد."

سه روز بعد سفیر آمریکا بار دیگر به دیدار شاه می‌رود. ملاقات بعد از ظهر ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ (۵ دی ۱۳۵۷) آنها در گزارش سالیوان "حساس" و "پرتنش" توصیف شده است.

دعوا آن روز بر سر صدیقی بوده. صدیقی روز قبل کلیات برنامه دولت آینده را به شاه ارائه کرده و گفته بود موافقت اصولی "هفت، هشت" نفر را برای عضویت در کابینه جلب کرده ولی برای تشکیل دولت به وقت بیشتری نیاز دارد. سالیوان می‌پرسد چند روز؟ شاه می‌گوید: "حداکثر شش هفته."

سند حاکیست که سفیر آمریکا از کوره در می‌رود. او به شاه می‌گوید که "اگر تصور می‌کند هنوز شش هفته فرصت دارد خیلی بی‌اطلاع است". سالیوان سپس صداقت صدیقی را - که خیلی‌ها او را پدر جامعه‌شناسی ایران می‌دانند و در بین مخالفان هم چهره‌ای بسیار معتبر و محترم بود - زیر سوال می‌برد و او را متقلب می‌خواند.



سالیوان و شاه

سالیوان همچنین گزینه سرکوب شدید را هم رد می‌کند و می‌پرسد "در حالی که او هنوز شاه مملکت است در کشور حمام خون به راه بیفتد چه کسی دروغ بازدیدش از نیروی دریایی را باور خواهد کرد؟"

به نظر می‌رسد لابی شدید سالیوان علیه دکتر صدیقی و مخالفت کاخ سفید با سرکوب در سوق دادن شاه به طرف گزینه بختیار بی‌تاثیر نبوده است. شاه دو روز بعد از آن دیدار سرنوشت‌ساز - حول و حوش ظهر پنج‌شنبه ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ۱۳۵۷) - به سفیر آمریکا خبر می‌دهد که صدیقی را کنار گذاشته و شاپور بختیار را مأمور تشکیل دولت کرده است.

سالیوان ظهر به دیدار شاه رفته بود تا پیام کارتر را ابلاغ کند که "ضرورت دارد بلا تکلیفی جاری هر چه زودتر خاتمه یابد". او همچنین از طرف خودش - نه واشنگتن - به شاه می‌گوید که اگر بخواهد به احتمال بسیار زیاد می‌تواند به آمریکا سفر کند و ایالات متحده امنیت خانواده‌اش را تأمین خواهد کرد.

سالیوان پیش از دیدار با شاه یک گزارش دیگر هم علیه صدیقی به واشنگتن فرستاده بود. سفیر آمریکا از ابتدا با نخست وزیری صدیقی مخالفت می‌کرد چون به گفته او لائیک است، در میان روحانیت پایگاه ندارد و رهبر جبهه ملی هم نیست.

البته شاپور بختیار هم سکولار بود و بین روحانیون قم یا رهبری جبهه ملی نفوذی نداشت ولی برعکس صدیقی، بختیار پیش شرط تعیین کرده بود که شاه مدتی کشور را ترک کند تا او بتواند مخالفان را آرام کند، بنابراین نخست وزیری بختیار گامی در جهت نقشه‌های سالیوان بود که سعی داشت شاه را از کشور بیرون بکشد.

سفیر آمریکا از اواسط آبان ۱۳۵۷ پشت صحنه به واشنگتن می‌گفت که باید شاه و افسران وفادارش را از کشور بیرون آورد تا جمهوری اسلامی بر مبنای مصالحه ارتش و اردوی آیت الله خمینی تشکیل شود. اشتباه محاسباتی بزرگ سالیوان شاید این بود که آیت الله خمینی را "گاندی" فرض می‌کرد و بر این باور بود که ارتش شاهنشاهی بدون شاه هم دوام خواهد آورد.

'هزاران نفر کشته خواهند شد'

شاه روز ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ (۷ دی ۱۳۵۷) به سفیر آمریکا می‌گوید که "دل آن را ندارد" که دست به سرکوب گسترده مخالفان بزند. او برای سرکوب خواهان حمایت صریح آمریکا از این گزینه بوده ولی از واشنگتن می‌شنود: "ایالات متحده نمی‌تواند چنین تصمیمی را برای ایران بگیرد."

سیاست "مشت آهنین" گزینه‌ای نبود که جیمی کارتر با آن همه تأکیدی که بر رعایت حقوق بشر در جهان داشت بخواهد آن را بپذیرد.

سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع (دی‌آی‌ای) در ارزیابی مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ (۸ دی ۱۳۵۷) تصویر ناخوشایندی از پیامدهای سرکوب خونین ترسیم کرده بود: "هزاران نفر کشته خواهند شد. زندان‌ها بار دیگر از مظنونان به مخالفت با سلطنت پر خواهد شد."

در این ارزیابی همچنین آمده بود: "گرچه در ارتش و دستگاه‌های امنیتی ایران کسانی هستند که از طرح سرکوب حمایت می‌کنند، ولی احتمالاً در اقلیت‌اند."

سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع همچنین نتیجه می‌گیرد که شاه به عنوان یک "نماد" نابود شده است.

در این مقطع، متحدان آمریکا هم به نتیجه‌ای مشابه رسیده بودند. سالیوان روز یکشنبه ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ دی ۱۳۵۷) نظرات هم‌تایان خود در تهران را به اطلاع کاخ سفید می‌رساند:

"سفیر بریتانیا فکر می‌کند تعطیلات شاه قریب‌الوقوع است و مدتی مدید طول خواهد کشید."

"موضع فرانسه این است که شاه خیلی وقت است که کارش تمام شده."

"سفیر آلمان قدری خوش بین تر است. آن‌ها معتقدند شاه هر چه زودتر کشور را ترک کند بهتر است."

"سفیر ژاپن تازه به تهران رسیده و خیلی حرف نمی‌زند."

اتمام حجت

روز دوم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۲ دی ۱۳۵۷) سالیوان به واشنگتن پیام می‌دهد که در دیداری "طولانی و ملال‌آور" با شاه متوجه شده است که هرچند بختیار را مأمور تشکیل دولت کرده معلوم نیست چه روزی از ایران خارج خواهد شد و می‌گوید بعد از برقراری نظم و ثبات به قصد استراحت از ایران خارج خواهد شد.

سفیر آمریکا می‌نویسد: "بنابراین وقتی بختیار نخست‌وزیر شد مجبور خواهیم شد به‌شدت بر او برای خروج فشار بیاوریم." در جریان همین دیدار است که سالیوان به شاه اطلاع می‌دهد کارتر رسماً از او دعوت کرده است به آمریکا سفر کند؛ انور سادات، رییس جمهوری مصر هم گفته است که اگر شاه تمایل دارد می‌تواند به مصر برود.

دو روز بعد - هم زمان با سفر کارتر به گوادلوپ و پیش از آنکه با رهبران اروپایی درباره ایران گفت‌وگو کند- رئیس جمهوری آمریکا پیام محکم تری به شاه می‌دهد: زمام امور را به بختیار و شورای سلطنت بسپارد و برای "استراحت" به کالیفرنیا سفر کند. کارتر در مورد حفظ سلطنت تضمینی نمی‌دهد ولی می‌گوید که برای حفظ استقلال، ثبات، تمامیت ارضی ایران و روابط نزدیک آمریکا-ایران با دولت بختیار همکاری خواهد کرد.

شاه پیام نهایی برای ترک کشور را چهارشنبه ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۱ دی ۱۳۵۷) دریافت می‌کند. فرستادگان کارتر (سالیوان و هایزر) ظهر به دیدارش می‌روند. بنا بر گزارش سالیوان، آنها اول به صحبت‌هایش گوش می‌کنند، "وقتی که شاه حرف‌هایش را تمام کرد، گفتم که دستور دارم به او توصیه کنم که فوراً کشور را ترک کند. سپس قدری بحث کردیم که آیا ۱۷ ژانویه (۲۷ دی) به اندازه کافی فوری است یا نه."

همان روز در واشنگتن نشست شورای امنیت ملی به ریاست والتز ماندیل، معاون رئیس جمهوری آمریکا، برگزار می‌شود. صورت جلسه این نشست نشان می‌دهد که در این هنگام در دستگاه‌های امنیتی آمریکا در مورد همکاری با اردوی آیت‌الله خمینی اتفاق نظر به دست آمده بود.

فیلیپ استودارد، رئیس اداره اطلاعاتی وزارت امور خارجه می‌گوید: "منصفانه نیست که فکر کنیم خمینی فقط نماد تفکیک جنسیتی در نظام تحصیلی یا ضدیت با حقوق زنان است. او به سیاست خارجی علاقه چندانی ندارد. فروش نفت به اسرائیل هم چندان برایش مهم نیست."

نماینده سیا می‌گوید: "بهشتی و بازرگان اشخاص مرتجع و احمق نیستند. انتظار می‌رود که خمینی در امور دولتی دخالتی نکند. او نگران جزئیات کارهای اجرایی نیست."

در پی قطعی شدن برنامه "تعطیلات" شاه، آمریکا تا جایی که می‌شد از او فاصله گرفت و چرخش آرام به طرف آیت‌الله خمینی را آغاز کرد. دولت کارتر حتی نمی‌خواست که شاهین-بوئینگ ۷۲۷ اختصاصی شاه و فرح- در راه کالیفرنیا در شرق آمریکا نزدیک واشنگتن سوخت‌گیری کند. سالیوان

۱۳۵۷) به واشنگتن ابلاغ شد با اظهارات کارتر در گوادلوپ همخوانی داشت که گفته بود "وقایع ایران در جهتی دگرگون شود که اجازه دهد ایران کشوری باثبات، دارای روابط دوستانه با غرب، منبع مستمر صادرات نفت به کشورهای غربی، مصون از سلطه خارجی و نیز در عرصه داخلی مترقی باشد."